

مطالعات اجتماعی بر پایه قرآن و سنت از دیرباز تا امروز؛ کاستی‌ها و آسیب‌ها

ابراهیم عبدی^۱

مطالعه گزاره‌های اجتماعی در دین و رفتارهای معصومان علیهم‌السلام گسترده و پُرارزش است. نهج‌البلاغه یکی از مهمترین منابع دینی، توجه ویژه‌ای به مباحث اجتماعی دارد؛ اما در شروح نهج‌البلاغه و نگاه‌های پیرامونی آن، کارهای کم‌حجمی نسبت به مطالعات اجتماعی دیده‌ام. در مراکز آموزشی هم به صورت محدود به این موضوع پرداخته‌اند و کمتر دانشگاهی در سرفصل‌های درسی خود به مطالعات اجتماعی در دین اشاره کرده است. در اصول مطالعه‌ای یک دانش، باید از پیشینه آن شروع کنیم؛ زیرا فهم پیشینه، یعنی فهم تولد دانش است و گذر زمان در همه جای دانش حاضر می‌باشد و لحظه‌به‌لحظه دانش را معنا می‌کند. به همین منظور برای مطالعه پیشینه دانش علوم اجتماعی، کتابخانه دانشگاه خوارزمی کرج را در نظر گرفتیم تا چهره کلی مطالعه دانش علوم اجتماعی از آغاز تا کنون را واکاوی کنیم و گزاره‌های اجتماعی قرآن و رفتارهای معصومان علیهم‌السلام (از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا امام مهدی علیه‌السلام) را جستجو نمایم. یک جستجوی ساده در کتابخانه با چیش کنگره و نگاه به رده H و پسان‌تر به HN و HM بنده را مستقیم به سمت نگاه‌های رنگارنگ جامعه‌شناسی برد؛ مطالعاتی که از جهت واکاوی رفتارهای اجتماعی انسان و تجزیه و تحلیل زندگی جمعی، قومیت‌ها و فرهنگ‌ها، جذابیت ویژه‌ای در بین اهل علم دارد. بخش نخست این ردیف که مربوط به تاریخ مطالعات اجتماعی بود، کتاب‌های زیادی را در خود جای داده بود. با مطالعه فهرست این کتاب‌ها، متأسفانه جای خالی مطالعات بینارشته‌ای قرآن و حدیث با علوم اجتماعی را دیدم. از مجموعه کتاب‌هایی را که مورد بررسی قرار دادم، مباحث مطالعه خود را به چهار محور دسته‌بندی و توضیحاتی را پیرامون آنها تقدیم می‌کنم: ۱. فهرست پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تاریخچه علوم اجتماعی؛ ۲. فهرست کتاب‌های حوزه تاریخچه علوم اجتماعی در اسلام؛ ۳. قوت و ضعف‌های پژوهش‌های علوم اجتماعی اسلامی (به‌ویژه نگاه‌های منتشرشده از سوی انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)؛ ۴. ارائه نمونه‌هایی از مسائل اجتماعی در کتاب و سنت. در ادامه به توضیح و تبیین چهار محور مذکور می‌پردازم.

الف. فهرست پژوهش‌های تاریخچه علوم اجتماعی

اینجانب ادعای دسترسی به همه کتاب‌های علوم اجتماعی را ندارم اما با کمک رده‌های HN و HM کتابخانه که کتاب‌های تاریخ مطالعات علوم اجتماعی را در خود جای داده بود، برای تهیه فهرست به همین رده‌ها و قفسه‌ها مراجعه کردم و پس از مطالعه کتاب‌های موجود، آنچه را دریافت‌م اینکه کتاب‌های تاریخچه علوم اجتماعی را می‌توانم به سه بخش دسته‌بندی کنم که عبارت‌اند از:

دسته اول: کتاب‌هایی که با عنوان تاریخچه دانش علوم اجتماعی ثبت شده‌اند. نام برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. تاریخ اندیشه اجتماعی، بارنز و بکر، ترجمه: یوسفیان و مجیدی؛
 ۲. جامعه‌شناسی در ادیان، ح.ا.تنهایی؛
 ۳. تاریخ جامعه‌شناسی، گاستون بوتول، ترجمه: مژگان کیوان خسرو؛
 ۴. تاریخ جامعه‌شناسی، ح.ا.تنهایی؛
 ۵. بنیان‌های جامعه‌شناختی، جرج ریتزر، ترجمه: تقی آزاد ارمکی؛
 ۶. درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی، الکس کالینیکوس؛
 ۷. تاریخچه جامعه‌شناسی؛ پژوهشگاه حوزه؛
 ۸. سیزده جستار در تاریخ جامعه‌شناسی، ح.ا.تنهایی؛
 ۹. سیر جوامع بشری، گرهارد لسنکی و جین لسنکی، ترجمه: ناصر موفقیان.
- دسته دوم:** کتاب‌هایی که با عنوان نظریه‌های علوم اجتماعی نام‌گذاری شده‌اند. این کتاب‌ها در صدد برشمردن متفکران این علوم و نیز کهن‌ترین و اولین نظریه‌ها و یا نقطه پیدایش نظریه علوم اجتماعی هستند. از این جهت به‌نوعی تاریخچه علوم اجتماعی به‌شمار می‌روند. فهرست آنها بدین قرار است:

۱. مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ریمون آرون، ترجمه: باقر پرهام؛
 ۲. اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، پیتر کیویستو، ترجمه: صبوری؛
 ۳. نظریه‌های جامعه‌شناسی، تقی آزاد ارمکی؛
 ۴. نظریه‌های جامعه‌شناسی، توسلی؛
 ۵. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، جورج ریتزر، ترجمه: محسن ثلاثی؛
 ۶. پیدایش نظریه جامعه‌شناسی، جان‌اتان اچ ترنر، ترجمه: عبدالعلی لهسایی‌زاده؛
 ۷. نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، افشین رزاقی.
 ۸. متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، راب استونز، ترجمه: مهرداد میردامادی.
- دسته سوم:** کتاب‌هایی که با عنوان مبانی علوم اجتماعی نام‌گذاری شده‌اند؛ اما بخشی از محتوای آنها به تاریخچه دانش پرداخته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. جامعه‌شناسی، تی بی باتومور، ترجمه: سیدحسن منصور و سیدحسن حسین کلجاهی؛

۲. درآمدی بر جامعه، یان رابنتسون، ترجمه: حسین بهروان؛
۳. مبانی جامعه‌شناسی، بروس کوئن، ترجمه: توسلی و فاضل؛
۴. ایدۀ علم اجتماعی، پیتر وینچ، ترجمه: سمت؛
۵. جامعه‌شناسی، آنتونی گیدنز، ترجمه: صبوری؛
۶. مقدمات جامعه‌شناسی، محسنی؛
۷. مبانی جامعه‌شناسی، راسخ؛
۸. مبانی جامعه‌شناسی، امان‌اله قرائی؛
۹. تغییرات اجتماعی، گی روشه، ترجمه: منصور وثوقی؛
۱۰. آناتومی جامعه، رفیع‌پور؛
۱۱. مقدمات جامعه‌شناسی، مارتین البرو، ترجمه: صبوری.

ب. فهرست پژوهش‌های تاریخچه علوم اجتماعی در اسلام

کتاب‌های تاریخ مطالعات جامعه‌شناسی در حوزه اسلام، بسیار کم است. آنچه اینجانب در این موضوع مشاهده کردم عبارت‌اند از:

۱. جامعه‌شناسی تاریخی اسلام، ح.ا. تنهایی؛
۲. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛
۳. درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛
۴. مواجهه با علوم اجتماعی در متن سنت‌های شیعی، آرمان ذاکری؛
۵. دین و علوم اجتماعی، به کوشش مجید کافی (مجموعه مقالات)؛
۶. جامعه و تاریخ، علامه مصباح یزدی؛
۷. نظریه‌های جامعه‌شناسی عالمان مسلمان؛
۸. سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، دکتر احمد مرادخانی تهرانی.

ج. نقاط قوت و ضعف نگاشته‌های علوم اجتماعی اسلامی

هر حرکت علمی دارای نقاط قوت و ضعف است. نگاشته‌های علوم اجتماعی در حوزه اسلام نیز از این قاعده مستثنا نیستند و دارای حسن و عیب هستند. در این بخش به برخی از محاسن و معایب این دسته از کتاب‌ها اشاره می‌کنم.

۱. نقاط قوت

نقاط قوت مطالعات علوم اجتماعی در حوزه اسلام را بدین صورت دسته‌بندی و تبیین می‌کنم: **یک**، اصل ورود به این بحث رویداد خوبی است. کارهای کم‌پیشینه معمولاً با کمبودهایی روبه‌رو هستند. برای نمونه: در مطالعات دکتر تنهایی در حوزه اسلام اگرچه گرایش صوفیانه دارد اما به مبانی اجتماعی اسلام در قرآن پرداخته و از این رهگذر به تاریخ روزگار حکومت امام علی ع و فرق

اسلامی نیز پرداخته و تحلیل نموده است. حتی در جایی به وضعیت اجتماعی - سیاسی زمان سید مرتضی رحمته الله علیه و تلاش‌هایی در برابر اهل تسنن اشاره کرده است.

دو. از دیگر نقاط قوت کتاب‌های علوم اجتماعی اسلامی، ارائه روش مطالعه بوده که هر کدام به صورت کوتاه به آن اشاره کرده‌اند و این اشاره مختصر بسی راهگشا و از بنیان‌های یک مطالعه علمی است. برای نمونه: کتاب «سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن» نوشته احمد مرادخانی روشمند بوده و برای الگوگیری روشی قابل استفاده است.

سه. پیشینه‌نگاری و مسئله‌نگاری اجتماعی از محاسن دیگر این نگاه‌ها است. شاید بتوان ادعا کرد کتاب «مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام» اثر محمد زاهدی اصل، نسبت به کارهای دیگر جامع است با این تفاوت که به صورت مستقل به پیشینه پرداخته، اما در عین حال با ارائه نمونه‌های زیادی از قرآن و سنت به حل مسائل اجتماعی پرداخته که به نظر می‌رسد نگارنده اشراف نسبتاً خوبی به کتاب و سنت داشته است. همچنین در کتاب «دین و جامعه» (مجموعه مقالات مقصود فراسخواه)، در بخش اول، گفتار پنجم، به میراث انبیا پرداخته و بخشی را در مبحث کلام جدید دینی به مقوله عصمت، به عنوان یکی از شرایط راهنمایان جامعه الهی، اختصاص داده است. نویسنده^۲ در این بخش عصمت را از حیث درون دینی بررسی کرده و با ترسیم جهات سلبی (اسطوره و گزاف نیست) و ایجابی (فعلیه و دیالکتیک و نسبی است) به گلاویز بودن انبیا با اهریمن اشاره نموده است. در بخش چهارم، به سازوکار کنترل قدرت بر زمامداری پیامبر صلی الله علیه و آله^۳ و یا به حادثه عاشورا^۴ به عنوان یک رفتار اجتماعی در جامعه دینی پرداخته است. کار ارزشمند دیگر، کتاب عنوان «جامعه و تاریخ» اثر علامه مصباح یزدی رحمته الله علیه که در آن به حل مسائل اجتماعی مانند اصالت فرد یا جامعه، قانونمندی جامعه و مسائلی از این دست پرداخته است. همچنین می‌توان ادعا کرد در کتاب انسان ۲۵۰ ساله نگاشته مقام معظم رهبری، رویکرد اجتماعی امامان معصوم ملموس است و در مورد آن بحث صورت گرفته است. شاید بتوان گفت رفتار اجتماعی معصومان در این کتاب رنگ و لعاب بیشتری دارد.

۲. نقاط ضعف

نقاط ضعف مطالعات اجتماعی در حوزه اسلام را در گونه‌های ذیل دسته‌بندی، ارائه و تبیین می‌کنم:

یک. شمار مطالعات: تعداد مطالعات علوم اجتماعی بر پایه کتاب و سنت کم است. این مسئله یا از روی کم‌توجهی و یا دشواری‌های ویژه مطالعات اجتماعی و یا به هر دلیل دیگر، نشانگر عدم

۲. دین و جامعه، ص ۴۷۱.

۳. دین و جامعه، ص ۵۰۷.

۴. دین و جامعه، ص ۵۵۹.

رشد مطالعاتی و ناتوانی در شناساندن کتاب و سنت بوده، به‌ویژه سنت که ظهور و بروز و مبین کتاب است. نتیجه منطقی این نارسایی ذهنیت ناکارآمدی دین در حوزه علوم اجتماعی و گاهی ذهنیت «نپرداختن دین» به این مقولات است.

دو. نبود پیشینه منضبط: علوم اجتماعی از نبود یک پیشینه منضبط با مطالعه بر رفتارهای معصومان علیهم‌السلام رنج می‌برد. پرش بلند گام‌های مطالعاتی مربوط به این دانش در ادیان از دوره مسیحیت به دوره فارابی و ابن‌خلدون گواه این ادعاست.^۵ بوتول گاستون^۶ می‌نویسد:

می‌بایست حدود یک‌هزار سال انتظار کشید تا شاهد از سرگیری سنت اندیشه و تفکر جامعه‌شناختی بود که از زمان سنت آگوستینوس متوقف شده بود. ابن‌خلدون استثنای درخشانی در مشرق زمین به‌شمار می‌رفت.^۷

همچنین در کتاب «تاریخ اندیشه‌های اجتماعی در اسلام»^۸ که به نیکی از گفتمان اجتماعی اسلام سخن به میان آورده، اشاره گذرا به معصومان نموده و در حد افتخار به نهج‌البلاغه و تحلیل امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مطلب کافی به مخاطب ارائه نمی‌دهد.

قطع دسترسی این دسته از دانشیان با سنت، دشواری برگردان آثار و ابهام در تشخیص گزاره‌های مطالعات اجتماعی در اثر یا رفتار و گفتار معصومان علیهم‌السلام عواملی است که سبب شده به‌ندرت از سنت سخنی به میان بیاید؛ وگرنه در حوزه دانش‌های دیگر تبادل بین مسلمانان و دیگران نسبتاً خوب ارزیابی می‌شود.

سه. روش‌شناسی: معرفی روش مطالعه یکی از مهمترین شاخصه در مطالعه علمی است. در برخی از مطالعات علوم اجتماعی اسلامی، بخشی را به‌صورت مستقل به این موضوع اختصاص داده‌اند. برای نمونه: کتاب «درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی»^۹، فصل سوم، از صفحه ۱۲۹ تا ۲۱۰ به عموماً بحث پرداخته و از صفحه ۲۱۰ تا ۲۲۹ به روش تعبیدی (وحی) اشاره کرده و در پاورقی، برخی از نمونه‌ها و قواعد روش را آورده است. در پاره‌ای از کارها نیز به‌صورت مستقل و منضبط کاری دیده نمی‌شود و یا در صورت پرداختن به روش، وارد بیان و تبیین نمونه نشده‌اند.^{۱۰} فصل مشترک هر دو کار، بهره‌گیری اندک از روش نص‌پژوهی و قواعد کامل آن است.

۵. مبانی جامعه‌شناسی (امان الله قرائی مقدم)، ص ۴۶؛ مبانی جامعه‌شناسی (کرامت الله راسخ)، صص ۹۵ - ۱۰۵.

۶. Bouthoul, Gaston.

۷. تاریخ جامعه‌شناسی، بوتول گاستون، ص ۲۱.

۸. ص ۳۶.

۹. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ج ۲، صص ۱۲۹ - ۲۲۹.

۱۰. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ج ۱، ص ۱۵.

چهار. مطالعات اندک بر محور «حل مسائل اجتماعی»: این موضوع از اهم کاستی‌های مطالعات اجتماعی در حوزه اسلام است. در حقیقت وجود پیشینه و روش مطالعه باید به حل مسئله منتهی شود و در غیر این صورت، اگر مشکلی از مسائل جامعه - به‌ویژه اکنون (عصر انقلاب اسلامی) - حل نشود، ادعای ما بیهوده و شبهه‌ناکارآمدی دین را نیز در پی خواهد داشت. با مشاهدات نگارنده در کتابخانه و مقالات، کمتر به حل مسائل توجه شده و بیشتر حالت توصیف و یا بیان کامل‌بودن اسلام را دارد.

گاه برخی از محققان برای اثبات ارتباط بین اسلام و جامعه‌شناسی با دشواری‌هایی روبه‌رو شده‌اند. برای نمونه: در کتاب «مبانی جامعه‌شناسی» آمده است: «برخی گفته‌اند که در نسبت‌دادن چیزی به چیز دیگر، کمترین مناسبت کافی است؛ اما به‌نظر، این سخن از اتقان کافی برخوردار نیست...؛ در مواردی، تناسب در حد بیان رابطه خویشاوندی نسبی ضرورت دارد؛ مانند نسبت‌های علوی و حسینی و در مواردی نیز حیثیت‌های زمانی و مکانی مانند: انسان ایرانی یا آفریقایی... البته در همه موارد، یک نوع خاص از مناسبت و کامل‌ترین حد آن ضرورت ندارد. اکنون ببینیم در مورد انتساب یک رشته علمی به اسلام چه نوع مناسبتی لازم است... اثرپذیری و در نتیجه تمایز جامعه‌شناسی اسلامی از جامعه‌شناسی موجود را می‌توان در سه محور خلاصه کرد: میانی، مسائل و هدف.»^{۱۱} کافی بود نویسنده در این بخش مثالی از هدایت در قرآن بیاورد و منظومه آن و ماهیت آن را معرفی کند تا به دور از هر دشواری و ابهام، پرده از گزاره‌های اجتماعی اسلام بردارد. به‌نظر می‌رسد این کاستی به‌خاطر نبود اشراف به کتاب و سنت رخ داده است.

انتظار این بود که مراکز علمی پس از انقلاب اسلامی، به تولید محتوای درست و متناسب در حوزه‌های مختلف بپردازند؛ اما سوگمندانده دیده می‌شود دانشجویان علوم اجتماعی همچنان بر پایه محتوای غربی به کار خود ادامه داده‌اند و مطالعات غربی که در حد خود قابل ستایش است، معمولاً رویکرد دینی نداشته و گاهی برای پنهان نمودن محتواهای فاخر اجتماعی و سیاسی و... دین تلاش می‌کنند. غربیان تاریخ مطالعات اجتماعی و متفکران علوم اجتماعی را نهایتاً به قرن ۱۶ مستند می‌کنند و از همه بدتر، مطالعات دینی حاضر نیز تقریباً همین مسیر را با کمی اختلاف در پیش گرفته‌اند. اکنون نیاز است که با گزاره‌ها و تاریخ دین و دینداری، مطالعات اجتماعی و بُعد تاریخی آن بازپژوهی و بازنگاری گردد و با پرداختن به قرآن و سنت، تاریخ اجتماعی نوینی نگاشته شود.

د. شاساندن برخی از فرازهای اجتماعی در کتاب و سنت

مطالعه در پیشینه مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد این مسائل در مسیحیت نسبت به اسلام بیشتر مورد مطالعه و واکاوی قرار گرفته است؛ در حالی که قرآن و سنت پر از فرازهایی اجتماعی بوده که

۱۱. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ج ۱، ص ۱۱.

باید به صورت منضبط در تاریخچه علوم اجتماعی درج شود. در ادامه مباحثم در حد توان به بخشی از این گزارش‌ها و گزاره‌ها اشاره می‌کنم؛ اگرچه در این گزارش، ادعای جستجوی کامل را ندارم؛ اما با منابعی که ذکر خواهم کرد، اهمیت اثبات پیشینه گفتمان اجتماعی در دو وزنه سنگین اسلام یعنی قرآن و سنت، روشن می‌شود.

قرآن به‌عنوان آخرین کتاب وحیانی، دربردارنده آیین حیات طیبه (زندگی گوارا) برای انسان است. کتاب الهی در قالب کلیدواژه‌های مختلف به زندگی اجتماعی اشاره نموده و از زندگی پیامبران در بین مردم و ارتباطات آنها یاد کرده است. در این نوشته، فقط به یک گزاره «هدایت» که بایسته و شایسته گسترش بیشتر و محوریت می‌باشد، اشاره می‌کنم. هدایت^{۱۲} فرایندی توحیدی است، فرستادگان خدا انسان را آزادانه به خدا دعوت می‌کنند. این فرایند خودبه‌خود یک مجموعه از روابط اجتماعی را به تصویر می‌کشد و به لحاظ حضور انسان در همه قسمت‌های آن و وجود کنش‌ها و واکنش‌های مختلف، مجموعه‌ای رنگارنگ از رفتارهای اجتماعی را می‌سازد. بنابراین در مطالعات اجتماعی می‌توان با ارجاع به قرآن و مسئله هدایت،^{۱۳} پیشینه آن را در زمان اسلام مستند نمود. سنت پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام به مجموعه رفتار، گفتار و تقریر آنان گفته می‌شود که در طول تاریخ حضور آن بزرگواران صادر شده و حجت و قابل عمل است. بیشتر این سنت به‌جای اینکه فردی باشد، در بین مردم بوده و اجتماعی شناخته می‌شود. در ادامه برای روشن شدن این ادعا سرفصل‌هایی از زندگی معصومان علیهم‌السلام را می‌آورم:

۱. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن پیامبر ﷺ: اعلام دعوت الهی برای هدایت مردم به‌صورت پنهان و آشکار، رویارویی با مشرکان قریش، توافق‌نامه با قریش، وجود مناصب مختلف در مکه مانند پرده‌داری و کلیدداری، پیمان با زنان، پیمان حلف الفضول، پیمان شجره، محاصره شعب و مسائل آن، تأسیس فرماندهی متمرکز در مدینه، راهبری نبردها، پیمان با اقوام و... همگی نشانگر رفتار اجتماعی پیامبر ﷺ است و باید در تاریخچه علوم اجتماعی بیاید.

۲. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن امام علی علیه‌السلام: بخشی از زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه منعکس شده که نشان از گزاره‌های اجتماعی در کلام و رفتار آن حضرت دارد. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱۲. رکه: مقاله «جایگاه نظام هدایت در تحلیل رفتارهای امیرالمؤمنین علیه‌السلام»، مجله دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث، ش ۷، ص ۵۵.

۱۳. رکه: مقاله «نظام هدایت و شاخصه‌های آن در قرآن کریم»، دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث، شماره ۵، ص ۱۲.

الف. در سراسر نهج البلاغه کلیدواژه «رعیت» پُرسامد است. این واژه به معنای «کسی که باید حقوقش رعایت شود» می‌باشد. امام در جاهای مختلفی از حقوق خود بر رعیت و حقوق رعیت بر خود سخن رانده است. همین مطلب، رابطه دوسویه ایشان را با مردم تعریف می‌کند و نمونه مناسبی برای رفتار اجتماعی امام را نشان می‌دهد.

ب. در خطبه شقشقیه این چنین آمده است:

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يِقَارُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبَ مَظْلُومٍ لِأَلَقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْهَانِهَا.

وقتی برای امام در کنار پیمان الهی، درخواست مردم نیز علت پذیرش عینی حکومت است؛ آیا معنایی غیر از رفتار اجتماعی و اهمیت به افکار عمومی دارد؟!

ج. تحلیل جامعه در روزگار جاهلیت در جای‌جای نهج البلاغه مانند خطبه دوم و بیست‌وششم فرازهای دیگری از مباحث اجتماعی است.

د. نامه ۵۳ که یک عهدنامه حکومتی است، فرازهای مختلفی در ارتباط میان حاکم و مردم وجود دارد که طرح همه آن در این مقال و مجال نمی‌گنجد. امام در یک دستور صریح، رویکرد اصلی خود را به مالک منتقل می‌کند:

وَ أَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ.

در این فراز به مهمترین رکن علوم اجتماعی یعنی انسان پرداخته شده و امام با سودبردن از ریخت نکره «سَبْعًا ضَارِيًا» در سیاق نفی «لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ» و تقسیم ثنایی «إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»، نسبت به پاسداشت مردم تأکید بسیاری نموده است.

هـ. فراز ذیل وصیت امام به فرزندش امام حسن علیه السلام است که از مطالعه رفتار پیشینیان یاد می‌کند و نمونه صریح در رویکرد اجتماعی یک معصوم است.

أَيُّ بَنِي إِبْنِي وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرُ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِيرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ

أَمْرٍ [جَلِيلَةٍ] نَخِيلَهُ وَتَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَصَرَفْتُ عَنْكَ جَهْلَهُ وَرَأَيْتُ
حَيْثُ عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ.^{۱۴}

و. ملاک زشت و زیبا در یک جامعه توحیدی، خدا و فرامین اوست. در فراز ذیل از سخن امام به واسطه «إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسُ»، بیان شده که خشنودی و ناخشنودی خدا، جامعه ساز است.

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَالسُّخْطُ وَإِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثَمُودَ
رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا فَقَالَ سُبْحَانَهُ
«فَعَقَرُواَهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ».^{۱۵}

ز. تحلیل مردمان شهرها مانند کوفه و بصره و نامه به آنها مباحث دیگری از پیشینه گزاره‌های اجتماعی در سنت است.

فرازهای اجتماعی زندگی ایشان به خاطر حکومت پنج‌ساله، بیش از این موارد است که نیاز به مجال بیشتری می‌باشد.

۳. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن فاطمه زهرا (ع): حضور حضرت در مهمترین واقعه تاریخی پس از رحلت پیامبر (ص) و ارائه خطبه فدکیه و تحلیل روزگار جاهلیت و زمانه خود آن حضرت به رفتارهای انسان‌ها و گروه‌ها اشاره شده است که از این رهگذر اهتمام حضرت به مسائل اجتماعی بروز پیدا می‌کند.

۴. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن امام حسن (ع): روزگار امام حسن (ع) نیز دارای رفتارها و حل مسائل اجتماعی است؛ مانند نگهداشت جایگاه امامت در جامعه و تعامل ایشان با معاویه که به بستن یک توافقتنامه انجامید. وجود یک توافقتنامه و جبهه‌بندی دو گروه در مقابل همدیگر نشان از وجود مسایل اجتماعی در دوران ایشان دارد که توسط حضرت نیز رتق و فتق شده است.

۵. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن امام حسین (ع): کربلا یکی مهمترین حادثه‌های تاریخی است. این حادثه فراز و فرودهای بسیاری دارد که مسائل اجتماعی در آن موج می‌زند؛ از جمله: بررسی افکار عمومی کوفه توسط امام در آغاز قیام و نیز در بین مسیر، ارتباط با علما و سخنرانی برای آنان در مکه، هدایت‌محوری امام به گونه‌ای که با همه نحله‌های فکری مانند زهیر بن قین عثمانی و یا وهب مسیحی ارتباط برقرار کرد و موارد دیگر که همه، نشان از دغدغه‌های اجتماعی آن امام معصوم است.

۱۴. نهج البلاغه (صبحی صالح)، نامه ۳۱.

۱۵. نهج البلاغه (صبحی صالح)، خطبه ۲۰۱.

۶. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن امام سجاده علیه السلام: در روزگار ایشان می‌توان از تعامل سردمداران نهضت توأبین با حضرت، عملکرد امام در واقعه حرّه و پناه‌بردن مردم به ایشان و یا شاگردپروری منحصر به فرد آن حضرت از مسیر آموزش دعا برای انتقال میراث حدیثی، به‌عنوان اقدامات اجتماعی یاد کرد. اینکه فردی در تلخ‌ترین حادثه اجتماعی که جوی خون در مدینه راه می‌افتد با فاصله اندک از عاشورا، پناهگاه امن مردم می‌شود آیا مسئله اجتماعی تلقی نمی‌شود؟ اگر شرایط جامعه به‌گونه‌ای باشد که نوع آموزش مردم دستخوش تغییر شود و معصوم طراح و مجری این اقدام باشد، آیا اهتمام امام سجاده علیه السلام نسبت به مسائل اجتماعی و مراقبت از اجتماع ولو اجتماع اندک را ندارد؟!

۷. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن امام باقر و امام صادق علیهما السلام: در این دوران بزرگترین پایگاه شیعی به‌علت درگیری اموی - عباسی بروز پیدا کرد. فعالیت‌های اجتماعی این دو امام هم‌بیشتر شد و شاگردان زیادی برای نشر معارف تربیت گردید. در این روزگار برخورد با انحرافات دینی مانند غالیان و اباحه‌گران رخ داد. چیزی که برخی از جامعه‌شناسان در بخش دین به‌ویژه در مطالعات قرون وسطی، به‌عنوان آسیب دینی و فهمی نو مطرح می‌کنند.

۸. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن امام کاظم علیه السلام: ارتباط با مردم و ساماندهی امور آنان به‌ویژه در حوزه اقتصادی از امور اجتماعی آن حضرت است. این امر زمانی معنا پیدا می‌کند که همراه با دشواری باشد. امام کاظم علیه السلام با دوران امامت نسبتاً طولانی ۳۴ ساله و در زمان خفقان عباسی، دست به ساماندهی این امر زد. ایشان با اقدام اجتماعی - اقتصادی تشکیل سازمان و کالت، امور شیعیان را سامان داد و سود این مجموعه به نفع جامعه شیعی ثبت شد. این اقدام گسترده اگرچه جنبه‌های سیاسی و اقتصادی دارد اما جنبه اجتماعی آن به‌لحاظ ساماندهی مردم، تحسین برانگیز است.

۹. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن امام رضا علیه السلام: یکی از پرسودترین امور در جامعه، پاسداری از باور انسان‌هاست. وقتی باور جامعه‌ای با یک حرکت نظام‌مند سلبی دچار آسیب شود، حاکم بر جامعه خود مشرف نخواهد بود و جامعه از دست خواهد رفت؛ حال اگر این جامعه توحیدی باشد در صورت تخریب باورها، صدمه آن به‌مراتب بیشتر خواهد بود. تحلیل زیبای امیرمؤمنان علی علیه السلام دربارهٔ پیش از بعثت افتادم که فرمود:

وَ النَّاسُ فِي فِتْنٍ أَنْجَدَمَ فِيهَا حَبْلُ الدِّينِ وَ تَزَعَزَعَتْ سَوَارِي الْيَقِينِ
وَ اختلفَ النَّجْرُ وَ تَشَّتَّ الْأَمْرُ وَ ضَاقَ الْمَخْرَجُ وَ عَمِيَ الْمُصَدِّرُ فَالْهُدَى
حَامِلٌ وَ الْعَمَى شَامِلٌ عَصَى الرَّحْمَنِ وَ نُصِرَ الشَّيْطَانُ وَ حُذِلَ الْإِيمَانُ
فَأَنْهَارَتْ دَعَائِمُهُ وَ تَنَكَّرَتْ مَعَالِمُهُ وَ دَرَسَتْ؛^{۱۶}

و این هنگامی بود که مردم به بلاها گرفتار بودند و رشته دین بریده و کشتی‌های یقین ناپایدار، پندار با حقیقت به هم آمیخته، همه کارها در هم ریخته. برونشو کار دشوار، درآمدنگاهش ناپایدار، چراغ هدایت بی‌نور، دیده حقیقت‌بینی کور، همگی به خدا نافرمان، فرمانبر و یاور شیطان، از ایمان روگردان. پایه‌های دین ویران، شریعت بی‌نام‌ونشان، راه‌های پوشیده و ناآبادان. دیو را فرمان بردند و به راه او رفتند و چون گله که به آبشخور رود پی او گرفتند.^{۱۷}

برخی از شاگردان امام رضا علیه السلام مانند یونس بن عبدالرحمن برای جلوگیری از زخمی شدن تنه جامعه شیعی، میراث حدیثی موجود را به امام رضا علیه السلام ارائه نموده و ایشان شروع به پالایش آن کردند. این اقدام به سلامت جامعه و خرافه‌زدایی انجامید.

۱۰. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن امام جواد تا امام حسن عسکری علیه السلام: بعد

از دوره امام رضا علیه السلام امامان شیعه، به‌گونه خاص محدود شدند و تحت کنترل محترمانه و همیشگی قرار گرفتند تا جایی که به بیان برخی از گزارش‌ها، امام می‌بایست در هر هفته دو روز به مرکز حکومت مراجعه می‌کرد.^{۱۸} به‌عنوان مثال: در یوم النوبة (روز مراجعه امام به مرکز حکومت) شور و شعفی در مردم پدید می‌آمد و خیابان‌ها مملو از جمعیت می‌شد.^{۱۹} ظاهر این امر نشان از قطع ارتباط امام با جامعه است؛ اما از آنجا که نبود اطلاعات، خود، یک نوع اطلاعات است، در اینجا پرسش‌هایی پیش می‌آید: چرا حاکمان وقت این ارتباط را قطع کردند؟ در این ارتباطات، چه اتفاقاتی رقم می‌خورده است؟ اگر این ارتباط بی‌اثر یا کم‌اثر بوده، چرا ائمه متأخر از جامعه دور نگه‌داشته شدند؟ در یک پاسخ اجمالی باید به همان اصل هدایتگری امامان اشاره نمود که برای راهبری انسان به سوی سعادت و خوبی‌ها و قرب الهی سامان گرفته است.

بنابراین، قطع ارتباط اجتماعی امام از مردم راهی بود که اصلی‌ترین مسیر انتقال فرهنگ ناب توحیدی را منحرف می‌کرد و جلوی زدودن خرافه از جامعه و ساخت باورهای توحیدی را می‌گرفت. حضور امام در جامعه و حل مسائل آنان به‌عنوان مرجعیت دینی که ضامن سعادت دنیا و آخرت است، اهمیت فراوانی دارد و امامان علیه السلام متکفل این امر بودند و حاکمان نیز با عنایت به آن، جلوی حضور مؤثر و ارتباط وثیق را می‌گرفتند؛ وگرنه این همه کنترل معنا ندارد.

۱۷. ترجمه استاد شهیدی.

۱۸. تاریخ حدیث شیعه، ج ۱، ص ۳۳۷.

۱۹. الغیبة، ص ۲۱۵.

۱.۱. گزاره‌های اجتماعی در سیره و سخن امام مهدی علیه السلام: روزگار امام مهدی علیه السلام از

جهت وضعیت خاص حضور ایشان در اجتماع، ویژه است. از عدم حضور ایشان در اجتماع در این دوران در روایات شیعی با عنوان سرّ، خورشید پشت ابر و... یاد شده است. مجموع این علت‌ها اشاره به یک نوع امتحان و ابتلای الهی دارد. زیرساخت این حالت را باید در نگاه توحیدی یافت و نمی‌توان از منظر برون‌دینی به بحث نشست. در این دوران مشیت الهی این‌گونه رقم خورده است که مردم بدون حضور فیزیکی امام در جامعه بلکه مدتی با نواب و پس از آن با روات حدیث، ارتباط بگیرند و مسائل مختلف خود از جمله مسائل اجتماعی و فرهنگی و سیاسی... خود را حل کنند.

نتیجه‌گیری

مطالعات اجتماعی قرآنی از آن جهت که به مسئله هدایت می‌پردازد و فرایند همه فعل و انفعالات و تغییرات جامعه و انسان را در بر دارد، لذا باید بیشتر به آن توجه کنیم. همچنین با فهرستی که از پیشینه‌های نگاشته‌شده موجود مطالعات اجتماعی انجام دادیم، مشاهده کردیم که این مطالعات را به دوران مسیحیت مستند و بسنده کرده‌اند و از دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام پرش نسبتاً بلندی داشته‌اند و خود را به دوران فارابی و ابن‌خلدون رسانده‌اند. به نظر بنده جفای بزرگی به این دوران شده که نمونه‌های کوچکی از آن را یاد کردم. بنابراین باید یک پیشینه دقیق از این دوران را ثبت و ضبط کنیم. همچنین در بحث روش مطالعات اجتماعی دوران اسلام به علت نص‌محور بودن، باید مجموعه منضبطی در این خصوص سامان دهیم.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، پیترو کیویستو، صبوری، تهران: نی، پنجم، ۱۳۸۵ ش.
۳. انسان ۲۵۰ ساله، سید علی خامنه‌ای، موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، قم: اول، ۱۳۹۸ ش.
۴. ایده علم اجتماعی، پیترو وینچ، سمت، تهران: سمت، اول، ۱۳۷۲ ش.
۵. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع‌پور، تهران: شرکت سهامی انتشار، نهم، ۱۳۹۳ ش.
۶. بنیان‌های جامعه‌شناسی، جرج ریتزر، تقی آزاد ارمکی، تهران: سیمرغ، اول، ۱۳۷۴ ش.
۷. پیدایش نظریه جامعه‌شناسی، جان‌اتن اچ ترنر و ال بیگلی، عبدالعلی لهسائی‌زاده، شیراز: دانشگاه شیراز، اول، ۱۳۷۱ ش.
۸. تاریخ اندیشه اجتماعی، بارنز و بکر، یوسفیان و مجیدی، تهران: سپهر، سوم، ۱۳۷۵ ش.
۹. تاریخ اندیشه و نظریات جامعه‌شناسی ج ۲ (جامعه‌شناسی تاریخی اسلام)، حسین ابوالحسن تنهایی، تهران: روزگار، اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. تاریخ اندیشه‌های اجتماعی در اسلام، هدایت الله ستوده، تهران: آوای نور، دوم، ۱۳۷۶ ش.

۱۱. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، رجبی و دیگران، تهران: سمت، پنجم، ۱۳۸۴ش.
۱۲. تاریخ جامعه‌شناسی، گاستون یوتول، مزگان کیوان خسرو، تهران: مازیار، اول، ۱۳۷۰ش.
۱۳. تاریخ حدیث شیعه، سیدمحمدکاظم طباطبایی، تهران: سمت، دوم، ۱۳۸۹ش.
۱۴. تغییرات اجتماعی، روشه گی، منصور وثوقی، تهران: نی، یازدهم، ۱۳۸۰ش.
۱۵. جامعه و تاریخ، محمدتقی مصباح یزدی، تهران: سازمان تبلیغات، دوم، ۱۳۷۹ش.
۱۶. جامعه‌شناسی ارتباطات، باقر ساروخانی، تهران: اطلاعات، هجدهم، ۱۳۸۶ش.
۱۷. جامعه‌شناسی در ادیان، حسین ابوالحسن تنهایی، یزد: بهاباد، دوم، ۱۳۷۳ش.
۱۸. جامعه‌شناسی، آنتونی گیدنز، منوچهر صبوری، تهران: نی، هفدهم، ۱۳۸۵ش.
۱۹. جامعه‌شناسی، تی.بی.باتور، سیدحسن منصور و سیدحسن حسین کلجاهی، تهران: هجرت، چهارم، ۱۳۷۰ش.
۲۰. درآمدی بر جامعه، یان رابرتسون، حسین بهروان، مشهد: آستان قدس، دوم، ۱۳۷۴ش.
۲۱. درآمدی بر روانشناسی اجتماعی، کلود تاپیا، مرتضی کُتبی، تهران: نی، دوم، ۱۳۸۲ش.
۲۲. درآمدی بر گروه‌سنجی و پویایی گروه، مری نرت وی، غلامعباس توسلی، تهران: دانشگاه تهران: ۱۳۵۴ش.
۲۳. درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی، الکس کالینیکوس، اکبر معصومیگی، تهران: آگه، دوم، ۱۳۸۵ش.
۲۴. درس‌هایی در فلسفه علم الاجتماع، عبدالکریم سروش، تهران: نی، پنجم، ۱۳۸۵ش.
۲۵. دین و جامعه، مقصود فراستخواه (مجموعه مقالات)، حسین ناظم‌زاده، تهران: شرکت سهامی انتشار، اول، ۱۳۷۷ش.
۲۶. روانشناسی اجتماعی، اتو کالین برگ، علی محمد کاردان، تهران: اندیشه، هشتم، ۱۳۶۸ش.
۲۷. روانشناسی اجتماعی، الیوت ارونسون، حسین شکرگن، تهران: رشد، هشتم، ۱۳۹۳ش.
۲۸. روانشناسی اجتماعی، ژان استوتزل، علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران: چهارم، ۱۳۶۸ش.
۲۹. روانشناسی اجتماعی، هالندر ادوین پل و همکاران، احمد رضوانی، مشهد: آستان قدس، اول، ۱۳۷۸ش.
۳۰. روش تحقیق در علوم اجتماعی، پاتریک مک نیل، محسن ثلاثی، تهران: آگه، اول، ۱۳۷۶ش.
۳۱. زمینه جامعه‌شناسی، آگ برن و نیم کوف، آریان‌پور، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، یازدهم، ۱۳۵۷ش.
۳۲. سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن، احمد مرادخانی تهرانی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، اول، ۱۳۸۶ش.

۳۳. سیر جوامع بشری، گرهارد لنسکی و جین لنسکی، ناصر موفقیان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، اول، ۱۳۶۹ش.
۳۴. سیزده جستار در تاریخ جامعه‌شناسی، حسین ابوالحسن تنهایی، جواد نکهت، قم: فتح دانش، اول، بی‌تا.
۳۵. فرهنگ و رفتار اجتماعی، هری. س و تری یاندس، نصرت فتی، تهران: رسانش، سوم، ۱۳۸۸ش.
۳۶. مبانی جامعه‌شناسی، امان الله قرائی مقدم، تهران: ابجد، پنجم، ۱۳۸۴ش.
۳۷. مبانی جامعه‌شناسی، بروس کوئن، توسلی و فاضل، تهران: سمت، بیست و نهم، ۱۳۹۷ش.
۳۸. مبانی جامعه‌شناسی، کرامت الله راسخ، تهران: جامعه‌شناسان، اول، ۱۳۹۴ش.
۳۹. مبانی و رشد جامعه‌شناسی، جی.اچ. آبراهام، حسین پویان، تهران: آشنا، اول، ۱۳۶۳ش.
۴۰. متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، راب استونز، مهرداد میردامادی، تهران: مرکز، چهارم، ۱۳۸۵ش.
۴۱. مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ریمون آرون، باقر پرهام، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، اول، ۱۳۵۲ش.
۴۲. مردم‌نگاری انتقادی، مدیسون دی سویینی، فهیمه سادات کمالی، تهران: علمی فرهنگی، اول، ۱۳۹۷ش.
۴۳. مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ماکس وبر، احمد صدراتی، تهران: مرکز، پنجم، ۱۳۸۱ش.
۴۴. مقدمات جامعه‌شناسی، مارتین البرو، منوچهر صبوری، تهران: نی، اول، ۱۳۸۰ش.
۴۵. مقدمات جامعه‌شناسی، منوچهر محسنی، تهران: خود مؤلف، نهم، ۱۳۷۱ش.
۴۶. مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، محمد زاهدی اصل، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دوم، ۱۳۸۷ش.
۴۷. منش فرد و ساختار اجتماعی، هانس گرت وسی و رایت میلز، اکبر اسدی، تهران: آگه، اول، ۱۳۸۰ش.
۴۸. نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، جرج ریتزر، محسن ثلاثی، تهران: علمی، دهم، ۱۳۸۴ش.
۴۹. نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، افشین رزاقی، تهران: آسیم، دوم، ۱۳۸۵ش.
۵۰. نظریه‌های جامعه‌شناسی، تقی آزاد ارمکی، تهران: سروش، اول، ۱۳۷۶ش.
۵۱. نظریه‌های جامعه‌شناسی، غلامعباس توسلی، تهران: سمت، پانزدهم، ۱۳۸۸ش.
۵۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، قم: مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.